دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۸۵-۱۱۸

ثبات بانکداری اسلامی در برابر بحران مالی (مطالعه موردی: بحران مالی سال ۲۰۰۸)

مهدی صادقی شاهدانی*

داود نصرآبادی**

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۳۰

چکیده

نظام و اقتصاد سرمایه‌داری در چند دهه گذشته شاهد بحران‌های مالی مختلف بوده که از مهمترین آنها، بحران مالی سال ۲۰۰۸ است. بحران مذکور، دارای علل مختلف بوده که از مهمترین علل آن می‌توان به نوآوری‌ها و دارایی‌های مالیِ بدون پشتوانه واقعی و نیز توسعه و گسترش آن توسط نهادهای مالی اشاره نمود؛ به‌عبارت دیگر مؤسسات مالی خصوصاً بانک‌ها با سرمایه‌گذاری بر دارایی‌های مالیِ بدون پشتوانه واقعی، معاملات آن را توسعه دادند. بانک‌ها و مؤسسات مالی مشابه به دلایل دیگری ازجمله عدم وجود سیستم نظارت کافی، اعطای تسهیلات گسترده و بدون رعایت استانداردهای مربوطه، خلق پول بدون پشتوانه، ورود به فعالیت‌های پر ریسک و افزایش نسبت اهرمی در توسعه بحران مؤثر بودند. نظام تأمین مالی اسلامی، نظام مالی مبتنی‌بر دارایی واقعی و به عبارتی، بخش واقعی اقتصاد است. بانکداری اسلامی در این نظام و در چند سال اخیر دارای رشد قابل‌توجهی بوده که نشان‌دهنده جایگزین بسیار مناسب برای روش‌های متعارف در نظام مالی است.

در این تحقیق، جایگاه و ویژگی‌های نظام بانکی متعارف و مؤسسات مالی مشابه در توسعه بحران مالی و در مقابل، ویژگی‌های ذاتی بانکداری اسلامی در جلوگیری از توسعه آن تبیین می‌گردد. بانکداری اسلامی از طرق ارتباط تنگاتنگ با بخش واقعی اقتصاد، ایجاد شفافیت مالی، وجود نظارت و کنترل، توزیع ریسک و تأثیرپذیری حداقل از شوک‌ها، رعایت استانداردهای وام‌دهی، عدم سرمایه‌گذاری در دارایی بدون پشتوانه، التزام به برآورد دقیق ریسک فعالیت‌ها (که عدم هریک باعث توسعه بحران مالی سال ۲۰۰۸ بوده) مانع از توسعه و گسترش بحران مالی در حیطه خود خواهد شد.

کلمات کلیدی

بحران مالی، تأمین مالی اسلامی، بانکداری اسلامی، دارایی‌های بدون پشتوانه واقعی، مشارکت در سود و زیان

طبقه‌بندی JEL: G24, G21, G01

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) sadeghi@isu.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری علوم اقتصادی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) 86economist@gmail.com

Archive of SID

www.SID.ir

مقدمه

بحران مالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که درصد قابل‌توجهی از ارزش برخی دارایی‌ها به‌صورت غیرمنتظره از دست برود. سوابق تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از بحران‌های مالی ناشی از بحران در شبکه‌های بانکی بوده که نهایتاً به رکود اقتصادی و بحران بیکاری منجر شده است. سقوط بازار سهام، ترکیدن حباب‌های مالی، بحران‌های ناشی از نرخ‌های ارز و ناتوانی در پرداخت بدهی‌های سنگین خارجی نیز مصادیقی از بحران‌های مالی محسوب می‌شود.

سال ۲۰۰۸ میلادی در تاریخ اقتصادی جهان بازگشت بحران اقتصادی بود؛ در این سال دنیا شاهد ورشکستگی برخی از بزرگترین و باسابقه‌ترین مؤسسات مالی جهان بود و رکود اقتصادی شدید در آمریکا و اروپا، رشد اقتصادی جهانی را تحت‌الشعاع خود قرار داد.

هر نظام اقتصادی نیازمند یک سیستم مالی است که منابع مالی را به سمت فعالیت‌های اقتصادی که دارای مولدترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری است، هدایت نماید. بحران‌های مالی، موجب اختلال در این فرآیند می‌شوند. اگر سیستم مالی نتواند این وظیفه را به‌خوبی انجام دهد، میزان ستانده کاهش پیدا کرده و اقتصاد از وضعیت تعادل همراه با ستانده بالا دور شده و بازارهای مالی نمی‌توانند به‌خوبی به فعالیت خود ادامه دهند.

به‌عبارت‌دیگر بحران مالی اخیر (سال ۲۰۰۸) با سرایت به بخش واقعی اقتصاد در کشورهای مختلف، توانسته است روند کسادی و رکود اقتصادی را افزایش داده، که ثمره چنین وضعیتی، کاهش تولید ناخالص داخلی[1] در سطح جهانی است.

در این میان برخی کشورها به علت درجه وابستگی به اقتصاد جهانی و نیز استفاده از سیاست ها و ابزارهای اقتصادی مختلف و متفاوت، کمتر تحت تأثیر بحران اقتصادی اخیر قرارگرفته‌اند.

کشورهای اسلامی بنابر دین و شریعت اسلام، در استفاده از سیاست ها و ابزارهای مالی دارای قوانین و نظام ویژه خود هستند. اکثر کشورهای اسلامی، هریک به‌اندازه‌ای از نظام مالی غیر ربوی در سیستم بانکداری خود استفاده می‌نمایند، در این نظام مالی

Archive of SID

www.SID.ir

که متفاوت از نظام مالی سایر کشورها بوده، بانک‌ها نمی‌توانند در دارایی‌های مالی که سایر بانک‌ها در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند سرمایه‌گذاری کنند. در این نظام مالی، منابع مالی باید در اختیار بخش‌های واقعی اقتصاد قرار بگیرد، همچنین در اکثر روش‌های مورداستفاده، طرفین منابع مالی تا حد زیادی در سود و زیان سهیم هستند.

عوامل مذکور، در صورت اجرای صحیح و کامل آن باعث می‌شود که این نظام‌ها کمتر تحت تأثیر بحران‌های مالی و اقتصادی قرار بگیرند، برحسب اعلام اتاق مالی کویت[۲]، بانکداری اسلامی توانسته از سقوط در بحران مالی جهان فرار کند و دو موضوع ذیل را علل اصلی آن می‌داند:

الف) قواعدی که مؤسسات بزرگ و اصلی را از مبادلات با ریسک بالا منع می‌کند؛

ب) تکیه بزرگی که بانکداری اسلامی بر سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری بر املاک دارد.

۱. پیشینه تحقیق

محمد عمر چپرا[۳] (۲۰۰۸) در مقاله‌ای به بررسی نقش تأمین مالی اسلامی در کم کردن اثرات بحران مالی و نیز تکرار آن در آینده پرداخته است. وی یکی از علل اصلی بحران مالی اخیر را فقدان انضباط در نظام مالی می‌داند که این امر باعث قرض‌دادن بیش از اندازه توسط مؤسسات مالی و نتیجه آن بروز زیان و خسارت برای مؤسسات و از طرف دیگر باعث کاهش ارزش دارایی‌های مؤسسات گردیده است. وی بیان داشته که سهیم شدن در سود و زیان (در قراردادهای مالی) و اتکا بر دارایی‌های واقعی و جلوگیری از فعالیت‌های مالی نامطمئن و بدون پشتوانه دارایی واقعی (غرر و قمار)، آنگونه که تأمین مالی اسلامی تأکید دارد، می‌تواند در کاهش اثرات بحران و نیز کاهش بی‌ثباتی در نظام مالی کمک نماید.

حبیب احمد[٤] (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی بحران مالی و درس‌هایی برای مالیه اسلامی پرداخته است. وی بحران مالی اخیر را شکستن پایه‌های نظام مالی سرمایه‌داری و حرکت به سمت راه‌حل‌های جدید دانسته و علت اصلی بحران را عدم توانایی روش‌های کاهش ریسک می‌داند. در مقاله مذکور بیان شده که قوانین و اصول تأمین

Archive of SID

www.SID.ir

مالی اسلامی، از وقوع چنین بحران‌هایی جلوگیری خواهد کرد؛ در همین راستا روش‌های تأمین مالی اسلامی به کاهش ریسک در بخش‌های نهادی، سازمانی و تولیدی خواهد انجامید که نتیجه آن ثبات در نظام مالی اسلامی می‌باشد.

بخش خدمات تأمین مالی دوبی (Dubai Financial Services Authority, 2010) به بررسی بحران مالی اخیر و تأمین مالی اسلامی پرداخته است، در این بررسی بیان شده که رشد استفاده از تأمین مالی اسلامی در سال‌های اخیر دورقمی شده و اگرچه هنوز سهم کمی در نظام مالی جهانی دارد ولی در شرایط وقوع بحران مالی اخیر، فرصت بسیار مناسبی است که روش‌های تأمین مالی اسلامی جایگاه و اهمیت و نیز کارایی خود را نشان دهد؛ در شرایط حاضر اکثر متفکران اقتصادی به دنبال روش‌های جایگزین مالی هستند و در چنین فرصتی است که می‌توان نظام مالی اسلامی را عنوان یک جایگزین مطمئن معرفی نمود.

دیوی و فردیان[۵] (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی تأمین مالی اسلامی به‌عنوان درمانی برای حل بحران مالی جهانی پرداخته‌اند. در این تحقیق یکی از علل اصلی بحران اخیر، عدم اتکای مشتقات مالی بر دارایی واقعی بیان شده است و هنگامی‌که سرمایه‌گذاری بر ابزارهای بدون اتکای دارایی واقعی انجام پذیرد بخش واقعی اقتصاد توسعه نخواهد یافت و از طرف دیگر حباب اقتصادی شکل خواهد گرفت. این در حالی است که در نظام تأمین مالی اسلامی به خاطر برخی ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها، مشکلات مذکور به راحتی پیش نخواهد آمد.

ابوالحسن[۶] (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی بانکداری اسلامی و بحران مالی جهانی پرداخته است. وی وقوع بحران مالی اخیر را نشانی دیگر از شکنندگی نظام سرمایه‌داری دانسته است؛ در این شرایط توجه و نیاز به نظام جایگزین بیش‌ازپیش احساس می‌شود. نظام مالی اسلامی با دارا بودن برخی ویژگی‌ها ازجمله تعریف و ماهیت پول، ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره، اتکای دارایی‌های مالی بر دارایی واقعی و... می‌تواند به‌عنوان جایگزین کارآمد، معرفی و اجرا گردد.

حسن و دریدی[۷] (۲۰۱۰) در مقاله‌ای به بررسی اثرات بحران مالی بر بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف پرداخته‌اند. آنها ضمن بررسی برخی از متغیّرها (سوددهی،

Archive of SID

www.SID.ir

رشد اعتبارات و دارایی) طی دوران بحران مالی ۲۰۰۸ به این نتیجه رسیدند که بانکداری اسلامی در برخی متغیّرها برتر از بانکداری متعارف بوده (سوددهی کمتر بوده ولی رشد اعتبارات و دارایی‌ها بیشتر بوده است) و در برخی کمتر بوده ولی درکل، بانکداری اسلامی انعطاف بیشتری نسبت به بانکداری متعارف دارد.

نبی و بورخیس[۸] (۲۰۱۱) در مقاله‌ای به بررسی انعطاف‌پذیری و ثبات بانکداری اسلامی در برابر بحران مالی سال ۲۰۰۸ در مقابل بانکداری متعارف پرداخته و ضمن بررسی متغیّرهای متعدد، به این نتیجه رسیدند که وقتی بحران مالی به بخش واقعی رسید تأثیر بیشتری بر بانکداری اسلامی (در برابر بانکداری متعارف) داشته، زیرا این نوع بانکداری در ارتباط با دارایی‌های واقعی بنا نهاده شده است.

نورعمران[۹] (۲۰۱۲) در تحقیقی به بررسی آینده بانکداری اسلامی بعد از بحران مالی جهانی پرداخته و به این نتیجه رسیده که به‌تدریج استقبال از بانکداری اسلامی افزایش خواهد یافت و این نوع بانکداری توسعه بیشتری در سطح جهان خواهد داشت. او با بررسی وضعیت بانکداری اسلامی در دوران بحران بیان کرده که این نوع بانکداری مانند سایر بانک‌ها از بحران مالی تأثیر نگرفته و مانند بانک‌های بزرگ نیازی به تزریق سرمایه از طرف دولت‌ها نداشته است.

۲. جایگاه و نقش بانک در بحران مالی سال ۲۰۰۸

یکی از بزرگترین بحران‌های مالی- اقتصادی در تاریخ اقتصاد سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۸ میلادی به وقوع پیوست. در این بحران، نظام سرمایه‌داری شاهد سقوط بازار اعتباری مسکن یا ساب پرام[۱۰]، ترکیدن حباب بازار بورس و سهام، از بین رفتن میلیاردها دلار سرمایه بانکی، ورشکستگی مؤسسات بزرگ مالی رهنی، پایان گرفتن داستان مقررات‌زدایی از بازار آزاد، آشفتگی دامنه‌دار در انباشت سرمایه مالی و سرانجام کمک‌های چند صد میلیارد دلاری دولت‌های سرمایه‌داری پیشرفته به بانک‌ها و همگام با آن، رکورد اقتصادی همراه با اخراج و بیکاری بسیاری از کارگران بود.

بحران مالی سال ۲۰۰۸ را به‌طور خلاصه اینگونه می‌توان توضیح داد:

Archive of SID

www.SID.ir

در اوایل قرن بیست و یکم باهدف خانه‌دار کردن مردم آمریکا، شرایط اعتباری و اعطای تسهیلات باکم شدن موانع و محدودیت‌ها روبرو شد؛ کاهش محدودیت‌ها شامل عدم توجه به سابقه اعتباریِ متقاضیان و نیز عدم نیاز به اعتبار اولیه افراد بود. تا قبل از آن، اعطای وام‌های رهنی به این راحتی نبوده و شرایط سخت‌تری جهت دریافت وام می‌طلبیده است، در وام‌های رهنی قدیمی، متقاضی باید ۲۰ درصد قیمت مسکن موردنظر را به‌عنوان سپرده نزد بانک داشته باشد تا بتواند به‌اندازه ۸۰ درصد قیمت مسکن ، وام دریافت کند (La'o, 2011, p. 9). این وام‌ها به وام‌های رهنی پر ریسک[11] و پرخطر معروف شد.

با تسهیل در اعطای وامِ رهنی، افراد زیادی برای دریافت وام اقدام نمودند؛ بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز از این شرایط نفع می‌بردند زیرا با اعطای وام‌رهنی، متقاضی، صاحب‌خانه می‌شد و در عوض، آن خانه در وثیقه بانک می‌ماند و بر این باور بود که در صورت عدم توانایی وام‌گیرنده در بازپرداخت وام‌ها، خانه موردنظر در اختیار بانک خواهد بود.

از طرف دیگر با زیاد شدن وام‌های رهنی، تقاضا برای مسکن شدت گرفت و لذا ساخت مسکن و قیمت آن روند صعودی گرفت (حباب قیمتی مسکن به وجود آمد) این افزایش قیمت به‌گونه‌ای بود که از اوایل ۲۰۰٤ تا اوایل ۲۰۰٦ رشد سالیانه قیمت‌های مسکن بیشتر از ده درصد بود و به دنبال آن نرخ مالکیت خانه به نرخ بی‌سابقه ٦٨.٨ درصد از حجم خانوارهای موجود در سال ۲۰۰۷ میلادی رسید (La'o, 2011, p. 9).

نکته دیگر اینکه، در این شرایط مؤسسات مالی به‌عنوان واسطه، فعالیت جدید خود را آغاز کردند، نحوه فعالیت اینگونه بود که مؤسسات مذکور اقدام به خرید وام‌های رهنی از بانک‌ها کردند، این وضعیت به بانک‌ها کمک کرد تا منابع خود را مجدداً در اختیار بگیرند و دوباره اقدام به اعطای وام‌های رهنی کنند و از طرف دیگر مؤسسات مذکور از روش «تبدیل به اوراق بهادار نمودن دارایی‌ها[12]» استفاده کرده و وام‌های رهنی را تبدیل به اوراق بهادار کرده و در بازار مالی و سرمایه انتشار دادند. به‌عبارت دیگر

Archive of SID

www.SID.ir

مؤسسات مذکور با پشتوانه دریافت اقساط وام‌ها از متقاضیان اولیه، در حالت‌های مختلف، اوراق بهادار را تعریف و انتشار دادند.

قابل‌ذکر است مؤسسات انتشار دهندهٔ اوراق مذکور شامل مؤسسات بزرگ و دارای اعتبار در آمریکا بودند (دو مؤسسه مهم در این بازار شامل فانی‌مای[۱۳] و فردی‌مک[۱۴])، لذا سرمایه‌گذاران متعددی در داخل و خارج از آمریکا اقدام به خرید اوراق مذکور نمودند و بدین طریق بازار ثانویهٔ اوراق بسیار گسترده شد.

پس از مدتی و بالا رفتن نرخ‌های بهره اقساط (بسیاری از نرخ‌های بهره به‌صورت پلکانی «نرخ بهره تعدیل‌پذیر[۱۵]» و به‌تدریج افزایش پیدا می‌کرد) به‌تدریج برخی از دریافت‌کنندگان تسهیلات از بازپرداخت اقساط ناتوان شدند و ناگزیر از واگذاری مسکن به بانک یا مؤسسات مذکور شدند، پس از مدتی با افزایش ناتوانی مردم در بازپرداخت وام‌ها، واگذاری مسکن (که به‌عنوان وثیقه بودند) افزایش‌یافته و به‌تدریج با افزایش عرضه مسکن، قیمت آن بشدت کاهش یافت.

با کاهش قیمت مسکن، اوراق بهاداری که با پشتوانه وام‌های رهنی منتشر شده بودند نیز شاهد کاهش ارزش شدند، این کاهش ارزش به‌تدریج گسترده شده و تمامی مؤسسات و سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرارداد؛ و به این ترتیب مؤسسات و نهادهای مرتبط شاهد ورشکستگی شده و بحران مالی توسعه پیدا کرد.

قابل‌ذکر است یکی از عوامل مهم، حذف محدودیت‌های قانونی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی و عدم نظارت کافی بوده که از سال‌های گذشته آغاز شده بود؛ در اواخر دهه ۹۰، فدرال رزرو با کم‌رنگ نمودن قانون گلاس- استیگال[۱۶] به مؤسسات مالی اجازه داد تا به انواع فعالیت‌هایی که برای بانک‌ها ممنوع بود از قبیل خرید یا فروش انواع اوراق بهادار وارد شوند؛ در ابتدا فدرال رزرو، مؤسسات مالی را محدود کرده بود که حداکثر تا ۵درصد دارایی‌ها می‌توانند در این فعالیت‌ها وارد شوند، ولی در ادامه این محدودیت نیز کاهش یافت و به ۲۵ درصد ارزش دارایی‌ها رسید. طی سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹٤، «اداره کنترل پول[۱۷]» ابزارهای مالی و مشتقات را گسترش داد و بانک‌ها توانستند از اوراق بهادار مبتنی‌بر بدهی، نرخ‌های معاوضه حاصل از بهره

Archive of SID

www.SID.ir

و پول رایج[۱۸]، شاخص‌های سهام، فلزات گران‌بها مانند طلا و نقره استفاده کنند (Russo and Kartzel, 2011).

ناظران و قانون‌گذاران بانکی و مالی از کاهش محدودیت‌های مالی و به‌عبارت دیگر مقررات‌زدایی حمایت کرده و تشویق به گسترش آن نمودند؛ اعتقاد آنان براین بود که مؤسسات مالی تمایل زیادی به حمایت و حفظ سهامداران خود دارند و لذا به دنبال مدیریت ریسک در فعالیت‌های خود هستند و از طرف دیگر بر این باور بودند که بازارهای مالی نیز از تحلیل‌گران برجسته، مؤسسات اعتبارسنجی معتبر و سرمایه‌گذاران آگاه و مطلع برخوردار است.

گرین اسپن[۱۹] رئیس وقت بانک مرکزی آمریکا در سال ۱۹۹۷ با اعلام لزوم نوسازی مالی[۲۰]، آن را لازمه حذف محدودیت‌های قدیمی بیان کرد زیرا اعتقاد داشت که آن محدودیت‌ها، نتایج مفیدی را در برنداشته و کارایی اقتصادی را کاهش می‌دهد و همچنین قدرت انتخاب و اختیار برای مشتریان بازارهای مالی را کاهش داده است. و اعتقاد داشت که نوسازی مالی، برای مؤسسات بانکی افزایش قدرت و امکان رقابت در بازارهای مرتبط را فراهم آورده و به‌طور کلی، نظام مالی کارا برای عموم مهیا خواهد شد[۲۱] (Greenspan, 1997).

همان‌طور که ذکر شد یکی از مهمترین علل بروز بحران مالی سال ۲۰۰۸، اعطای وام و تسهیلات بیش از حد و بدون تدبیر توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی بوده است.

چندین عامل وجود دارند که به بانک‌ها امکان توسل به چنین فعالیت‌های ناسالمی را می‌دهند. از میان آنها، کاهش نظارت کافی در بازارهای پولی و مالی متعارف و در روش‌های ناشی از عدم مشارکت در سود و زیان[۲۲]، مهمترین عامل است. گسترش غیرقابل تصور حجم استفاده از ابزارهای مشتقه، خصوصاً معاملات جبران نکول اعتبارات، نیز عامل مهمی است، زیرا ادعای ارائه پوشش ریسک کافی برای قرض‌دهندگان در برابر نکول وام‌گیرندگان را در بر دارد.

عامل مهم دیگر (همان‌طور که قبلاً ذکر شد)، عدم رعایت استانداردهای وام‌دهی توسط بانک‌ها پس از تصویب قانون سرمایه‌گذاری مجدد[۲۳] است، با تصویب این قانون و اصلاحیه‌های آن در سال ۱۹۹۵، بانک‌ها و مؤسسات پس‌انداز ملزم به تأمین نیاز بازار

Archive of SID

www.SID.ir

و متقاضیان تسهیلات- حتی افراد با درآمد متوسط و کم- شدند؛ به‌عبارت‌دیگر بانک‌ها استانداردها و محدودیت‌های وام‌دهی را کنار گذاشته و به‌طور گسترده وام و تسهیلات مسکن دادند؛ به‌عبارت‌دیگر بانک‌ها با توجه به دریافت سود ثابت و دریافت وثیقه‌های با ارزش (مانند مسکن) انگیزه فراوانی به اعطای وام داشتند.

یک عامل مهم دیگر وجود مفهوم «عدم شکست‌پذیری، به علت بزرگ بودن»[۲۴] بوده که به بانک‌های بزرگ این ذهنیت و حس کاذب امنیت را می‌دهد که احتمال ورشکستگی بانک‌های بزرگ در حد صفر بوده و بانک مرکزی نیز قطعاً به کمک آنها خواهد آمد و به آنها اجازه شکست را نخواهد داد.

حس کاذب امنیت در برابر شکست و ضرر، یک عامل نقص در سیستم مالی متعارف است. درنتیجه، بانک ها به هنگام بررسی اعطای وام به متقاضیان، ارزیابی دقیق و جامعی از این پروژه‌ها به عمل نمی‌آورند. این امر به گسترش ناسالم حجم کلی اعتبارات، بیش از حدود اهرمی، و به رشدی غیرقابل تحمل در کاهش شدید ارزش دارایی‌ها، و شکنندگی اقتصادی و بحران بدهی منجر می‌شود، خصوصاً اگر ولخرجی بیش‌ازحد در پیش‌فروش‌های[۲۵] بدون پشتوانه کافی وجود داشته باشد به‌بیان دیگر می‌توان گفت زمانی که سرمایه‌گذاران برای پوشش ریسک‌های خود اقدام به سرمایه‌گذاری مجدد وجوه استقراضی خود نمایند، احتمال ایجاد و گسترش حباب بیشتر می‌گردد.

مجاز بودن بانک‌ها و مؤسسات مالی متعارف، برای «خلق پول مصنوعی[۲۶]» یکی دیگر از مهمترین عوامل بحران‌ساز در نظام‌های مالی جهان شناخته می‌شود. این نگرش نسبت به عملکرد بانک‌های سنتی پس از بحران مالی اخیر تقویت شده است، چرا که به‌عقیده بسیاری از کارشناسان مسائل پولی و مالی، سوءاستفاده بی‌رویه بانک‌های بزرگ از این اختیار و افراط در تولید پول بدون پشتوانه و مصنوعی، یکی از مهمترین دلایل شکل‌گیری حباب‌های عظیمی بود که ترکیدن آنها در سال ۲۰۰۷ بحران‌ساز شد و اقتصاد جهان را تحت‌الشعاع قرار داد (ابوالحسن، صندوق بین‌المللی پول، ۱۳۹۰، ص۲۱).

Archive of SID

www.SID.ir

پول مصنوعی پس از بوجودآمدن، برای خریداری دارایی‌های منقول یا سهام اختصاص می‌یابد. در این حالت، هرچه پول مصنوعی بیشتری توسط بانک‌ها تولید شود، به‌واسطه افزایش تقاضا برای خرید سهام و دارایی، بر ارزش و قیمت سهام و دارایی‌ها افزوده شده و این یعنی بزرگتر شدن حباب آنها.

خوشبختانه در بانکداری اسلامی به‌واسطه ممنوع بودن ربا و ملزم شدن بانک‌ها به بازپرداخت سرمایه سپرده‌گذاران در هرزمانی که مشتریان اراده کنند، خبری از اختیار تولید پول مصنوعی نیست و درنتیجه، چنین خطری از جانب بانک‌های اسلامی برای نظام‌های مالی احساس نمی‌شود (ابوالحسن، ۱۳۹۰، ص۲۳).

ورود و گسترش فعالیت‌های پر ریسک توسط بانک‌ها در پی لغو قانون گلاس- استیگال یکی دیگر از عوامل مهم است، با لغو قانون مذکور ، فرهنگ ریسک‌پذیر بانک‌های سرمایه‌گذاری بر فرهنگ محافظه‌کار بانک‌های تجاری مسلط شده و تقبل سطوح ریسک و اهرم بالاتر بانک‌های تجاری را به همراه داشت.

عامل مهم دیگر «افزایش نسبت اهرمی»[۲۷] است؛ گروه بورس و اوراق بهادار آمریکا، بانک‌های سرمایه‌گذاری را در شکل‌دهی به ساختار سرمایه، آزاد گذاشت و این باعث افزایش اهرم این مؤسسات و تقویت رشد اوراق بهادار با پشتوانه وام‌های رهنی پرخطر شد. به‌طوری که طی سال‌های ۲۰۰۳- ۲۰۰۷ نسبت اهرمی بانک‌های سرمایه‌گذاری (مانند لمان برادرز، بیر استرنز، مریل لینچ، گلدمن ساچز و مورگان استنلی) افزایش قابل‌توجهی یافت (Company Annual Reports, 2009).

درواقع می‌توان گفت بحران مالی، زمانی چهره خود را آشکار کرد که بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری آمریکا متوجه شدند که صدها هزار فقره وام مسکن را خریداری نموده‌اند که امیدی به بازپرداخت به‌موقع و کامل آنها وجود ندارد؛ این وام‌های مسکن به آمریکایی‌هایی تعلق داشتند که به‌واسطه وجود ثبات نسبی در اقتصاد جهانی تصمیم گرفته بودند تا در بخش مسکن آمریکا سرمایه‌گذاری کنند و همین مسأله موجب تشکیل حباب مسکن در آمریکا شد (ابوالحسن، ۱۳۹۰، ص۲۰).

درنهایت، نقش و جایگاه بانک در توسعه بحران مالی سال ۲۰۰۸ را می‌توان به‌طور خلاصه در عناوین ذیل بیان نمود:

Archive of SID

www.SID.ir

۱. کاهش نظارت کافی بر عملکرد بانک‌ها از طریق کاهش محدودیت‌های قانونی و اجازه انواع فعالیت‌های مالی؛
۲. اعطای وام و تسهیلات گسترده و بدون رعایت استانداردهای مربوطه؛
۳. سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بدون پشتوانه واقعی؛
٤. خلق پول بدون پشتوانه و مصنوعی؛
۵. ورود و گسترش فعالیت‌های پر ریسک؛
٦. افزایش نسبت اهرمی.

۳. بانکداری و تأمین مالی اسلامی

تأمین مالی اسلامی، نظام مالی مبتنی‌بر دارایی است که در آن، پشتوانه تمام معاملات، باید منابع سرمایه‌ای و موجودی کالا باشد (گزارشی از وضعیت کنونی بانکداری و تأمین مالی اسلامی، ۱۳۸۳، ص۲). این ویژگی مهمترین عامل و وجه تمایز با تأمین مالی غیراسلامی است؛ و مهمترین نهاد که در وضعیت کنونی در تأمین مالی اسلامی ایفای نقش می‌کند «بانک» است؛ لذا بانک در کشور اسلامی باید شرایط و مقتضیات تأمین مالی اسلامی را در فعالیت‌های خود رعایت کند، و یکی از مهمترین شرایط، حذف ربا از معاملات است.

در مبحث بانکداری اسلامی موضوع سود و حداقل سود مورد انتظار پیش کشیده می‌شود که با ربا (بهره)، به معنی دریافت هر مبلغ اضافه بر روی دین، مشروط بر اینکه قبلاً شرط شده باشد، تفاوت‌هایی اساسی دارد، ازجمله اینکه: سود با توافق طرفین تعیین و به نسبت‌های موردتوافق پرداخت می‌شود، ولی ربا از طرف وام‌دهنده (دائن) تعیین و به هر نرخ یا نرخ‌های ثابت از قبل تعیین‌شده، پرداخت می‌گردد.

سود در بانکداری بدون ربا، حاصل بهره‌وری از عوامل تولید، بالأخص عامل کار و سرمایه است، ولی ربا حاصل بهره‌وری از سرمایه (دارایی‌های نقدی) است و صاحب سرمایه در تحقق آن مشارکت مستقیم ندارد.

به طورکلی بانکداری اسلامی بر تقسیم ریسک، دادوستد فیزیکی کالا، درگیری مستقیم با تجارت و کار، اجاره و قراردادهای ساختمانی با استفاده از عقود مختلف

Archive of SID

www.SID.ir

شرعی استوار است. تقسیم ریسک و مدیریت آن برای دستیابی به حاکمیت مشارکت و همکاری در انجام پروژه‌ها یکی از اهداف بانکداری اسلامی است.

بانکداری اسلامی به صورت فعلی از حدود اواسط دهه ۱۹۷۰ در خاورمیانه به وجود آمده است. در طول زمان، بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف توسعه‌یافته ولی بین روش‌های به کارگیری در بانکداری اسلامی که در کشورهای مختلف به کار می‌رود تفاوت‌هایی وجود دارد.

در دهه گذشته بانکداری اسلامی توانسته است توجه جهانیان را بیش‌ازپیش به خود جلب کند و با نرخ رشد قابل‌توجه، یکی از پررونق‌ترین و شکوفاترین حوزه‌های بانکی و مالی جهان را تشکیل دهد. امروزه، از گوشه و کنار دنیا می شنویم که بانک های اسلامی، اقدام به تأسیس شعبه و خدمات بانکی و مالی منطبق با شریعت اسلام در آنجا نموده‌اند. بانکداری اسلامی، به نحو فزاینده‌ای در حال رشد و نمو در بطن سیستم‌های مالی و بانکی دنیا است. به‌نحوی‌که امروزه نه‌تنها در کشورهای دارای اکثریت مسلمان، بلکه در کشورهای غیراسلامی نیز شاهد حضور پررنگ و موفق بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی هستیم. نتیجه عملی این گرایش، اختصاص برخی شعب بانک‌های غیراسلامی برای عرضه محصولات مالی اسلامی می‌باشد. که تحت عنوان «پنجره اسلامی» شناخته می‌شوند. دریچه‌های اسلامی عبارت‌اند از بخش‌های مستقلی در درون بانک‌های سنتی (غیراسلامی) که از طریق آنها می‌توان به مشتریان متقاضی برخوردار از ابزارهای مالی منطبق با شریعت اسلام، خدمات‌رسانی کرد. آنچه در این میان دارای اهمیت است، لزوم رعایت تفکیک سرمایه‌گذاری‌ها و سودآوری میان سرمایه‌گذاری‌های اسلامی و غیراسلامی می‌باشد.

٤. وضعیت بانکداری اسلامی در دنیا (طی سال‌های قبل و بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸)

در این قسمت، وضعیت بانک های اسلامی در نقاط مختلف جهان ازلحاظ آماری (تعداد و دارایی) بررسی می‌شود:

Archive of SID

www.SID.ir

جدول (۱): توزیع دارایی‌های بانک‌های اسلامی در جهان

منطقه جغرافیایی	تعداد بانک‌های اسلامی	کل دارایی‌ها (میلیون دلار)	دارایی‌های منطبق بر شریعت		سهم بانکداری اسلامی در هر منطقه (درصد)	
			۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۱۱
خاورمیانه	۸۱	۲.٦۲۱.٦٤۲	٥۹٦.۱۳۳	۷۲٤.۲٤۱	۱۹	۲۸
اروپا	۱۰	۱۱۷.۸٤٦.۹۸۱	۲۹.۹۳۱	۳۱.۱٥۳	۰.۰۲	۰.۰۳
آفریقا	۱۸	۲.۱۱٥.۱۷٦	۱٥۰.٤۹	۱٥.۹۳۰	۰.٦۸	۰.۸
آسیای شرقی	۳۱	٦۷.۷۷٥.٦۷۰	٦۳.٥۹٦	۱۱٦.۰۳۷	۰.۱	۰.۲
آمریکای مرکزی و جنوبی	۱	٦.٤۸۳.۷٦۱	۱٥۰	٥۷٤	–	۰.۰۱
مجموع	۱٤۱	۱۹٦.۸٤۳.۲۳۰	۷۰٤.۸٥۹	۸۸۷.۹۳٥	۰.۳	۰.٥

منبع: www.bankscope.com (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳)

جدول (۱) و نمودار (۱) نشان‌دهنده توزیع، تعداد و دارایی بانک‌های اسلامی در مناطق مختلف جهان می‌باشد. تعداد کل بانک‌های اسلامی ۱٤۱ عدد می‌باشد که اکثریت آنها در قاره آسیا واقع است (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳، ص۱۲۹). همان‌طور که مشاهده می‌شود دارایی بانک‌های اسلامی در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال ۲۰۱۰ رشد داشته و این می‌تواند اقبال نظام مالی به بانکداری اسلامی را نشان دهد. کل دارایی‌های منطبق‌بر شریعت در سال ۲۰۱۱ معادل ۸۸۷ میلیارد دلار بوده است.

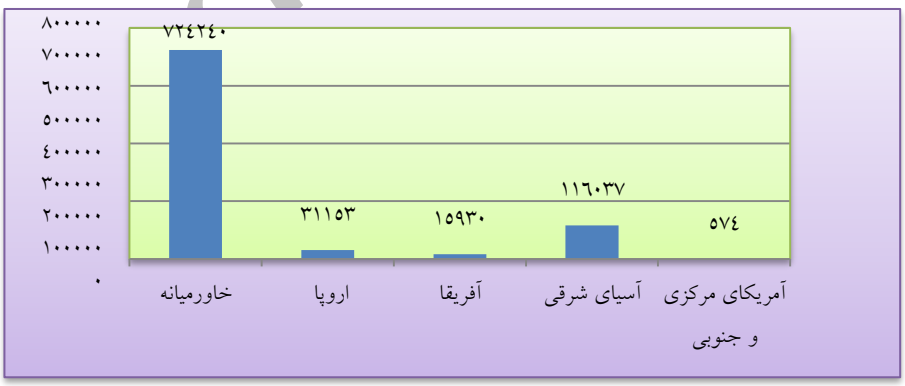

نمودار(۱): دارایی بانک‌های اسلامی (ارقام میلیون ریال)

منبع: (Hussain, 2015, p. 12)

Archive of SID

www.SID.ir

همچنین در نمودار ذیل به بررسی رشد کل دارایی‌های اسلامی در مقابل دارایی‌های متعارف طی سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۳ پرداخته شده است.

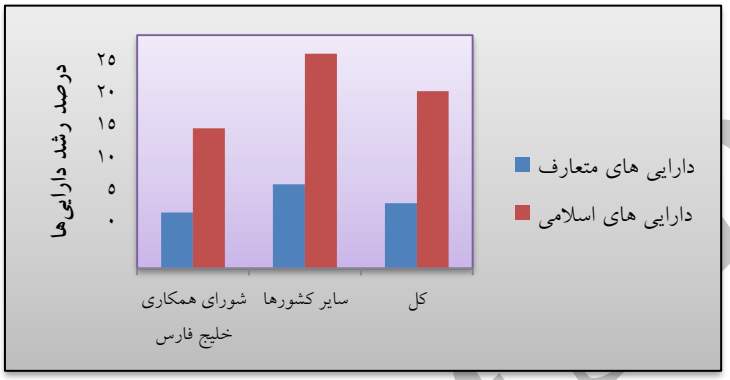

نمودار (۲): دارایی‌های اسلامی در مقابل دارایی‌های متعارف طی سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۳

منبع: (Hussain, 2015, p. 12)

همان‌طور که مشاهده می‌شود کل دارایی‌های اسلامی طی ۵ سال شاهد رشد حدود ۱۷ درصدی بوده و در مقابل، رشد دارایی‌های متعارف رشدی کمتر از ۱۰ درصد داشته‌اند.

٤-۱. انواع روش‌های اعطای تسهیلات در بانک‌های اسلامی

همان‌طور که ذکر شد بانک‌های اسلامی از روش‌های مختلف مبتنی‌بر عقود اسلامی اقدام به اعطای تسهیلات می‌نمایند. در ادامه و در جدول (۲) مهمترین عقودی که طی آن بانک‌های اسلامی در سال‌های گذشته تسهیلات پرداخت می‌کرده‌اند و سهم هر یک ذکر شده است.

این روش‌ها عبارت‌اند از: مرابحه، مشارکت کاهنده[۲۸] مشارکت، استصناع، اجاره، سلف، مضاربه و قرض‌الحسنه.

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود بیشترین سهم از تسهیلات را روش مرابحه و پس ازآن مشارکت‌کاهنده و اجاره به خود اختصاص داده‌اند.

Archive of SID

www.SID.ir

جدول (۲): انواع روش‌های تسهیلات توسط بانک‌های اسلامی و سهم هر یک

عقد / سال	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
مرابحه	۳۸	٤۲/٦	٤٤/۸	٤٥
مشارکت کاهنده	۲۸/۷	۲۹/٥	۲۸/۳	۳۱/۸
اجاره	۲۲	۱٤/۳	۱۲/۷	۱۱/۷
استصناع	۲/۷	٦/۱	٥/۸	۳/۳
مشارکت	۲/۰٥	۱/۸	۲/۹	۲/۸
سلف	۱/۷	۱/۹	۲	۲/۱
مضاربه	٪۲	۱/۳	٪۲	٪۱
قرض‌الحسنه	۰/۰۱	–	–	–
سایر	٤/٦	۲/٦	۳/۳	۳/۲

منبع: www.bankscope.com (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳)

٤-۲. بررسی صورت‌های مالی بانک‌های اسلامی

بررسی صورت‌های مالی بانک‌ها این امکان را می‌دهد که عملکرد فعالیت‌های بانک‌های اسلامی در مقایسه با سال‌های گذشته تحلیل شود. جدول (۳) و نمودار (۳) و (٤) نشان‌دهنده روند تغییرات پنج شاخص مهم بانکی در کل بانک‌های اسلامی در سال ۲۰۰٥ تا ۲۰۱۱ است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، کل دارایی‌ها، سپرده‌ها، تسهیلات و سرمایه در بانک‌های اسلامی در سال‌های ۲۰۰٥ تا ۲۰۰۱۱ روند فزاینده داشته است. فقط درآمد خالص، از سال ۲۰۰۷ به بعد روندی نزولی داشته که در سال ۲۰۰۹ دوباره روندی صعودی به خود گرفته است.

به‌عبارت دیگر، به‌خوبی می‌توان دریافت که بحران اخیر مالی جهانی در سال‌های ۲۰۰٦ تا ۲۰۰۷ نه‌تنها تأثیری منفی بر روند افزایش دارایی‌ها، سرمایه و قدرت جذب سپرده‌ها در بانک‌های اسلامی نداشته است، بلکه این سه شاخص به روند صعودی

Archive of SID

www.SID.ir

خود ادامه داده‌اند. این بحران فقط درآمد خالص را در بانک‌های اسلامی تحت تأثیر قرار داده است (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳، ص۱٤۸).

جدول(۳): پنج شاخص مهم بانکی و رشد آنها در بانک‌های اسلامی بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ (ارقام میلیون دلار)

سال	دارایی‌ها	سرمایه	درآمد خالص	سپرده‌ها	تسهیلات	
۲۰۰۵	۲۷۹۲۸۰	۳۹۵۰۷	٥٤۳۸	۱۷۸۲۸٥	۱٦٤٦۷۹	
۲۰۰٦	۳۷٦۳۰۷	٥۲۱۰۰	٦۸۲٤	۲۷٥٥۳۸	۲۱۲۲۷٦	
	۳٤.۷	۳۱.۹	۲٥.٥	٥٤.٥	۲۸.۹	رشد (٪)
۲۰۰۷	٥۱۹٦٥۷	۷۲۲۳۰	۱۰۳۰۷	۳۸۹۷۸۰	۳۰۲٦٤۹	
	۳۸.۱	۳۸.٦	٥۱	٤۱.٥	٤۲.٦	رشد (٪)
۲۰۰۸	٥۸۷۹٤٥	۸۱٤۳٤	۸۸٤۲	٤٤۳۹۳۷	۳٤٤۸۸٦	
	۱۳.۱	۱۲.۷	- ۱٤.۲	۱۳.۹	۱٤	رشد (٪)
۲۰۰۹	٦۱٦٤٦۱	۸۲٦۱٦	٤٥۲۰	٤٦٤٥۰۳	۳٤۲۳٥۹	
	٤.۹	۱.٥	- ٤۸.۹	٤.٦	- ۰.۷	رشد (٪)
۲۰۱۰	۷۰٤۸٥۹	۸٦٥٥۸	۷۲۰۱	٥۳٤۱۹۱	۳۹۷۸۸٥	
	۱٤.۳	٤.۸	٥۹.۳	۱٥	۱٦.۲	رشد (٪)
۲۰۱۱	۸۸۱٦۸٥	۹۹۲۸۲	۱۰۱٦۹	٦۷۷۰۱۹	٤٦٥۳۱٤	
	۲٥.۱	۱٤.۷	٤۱.۲	۲٦.۷	۱٦.۹	رشد (٪)

منبع: (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳)

با توجه به نمودار (۳) شاخص‌های دارایی، سپرده و تسهیلات در بانک‌های اسلامی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ روند فزاینده‌ای داشته‌اند، در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ این روند فزاینده، کمی با کاهش روبرو شده ولی پس از آن به روند قبلی ادامه داده‌اند. دو متغیّر شاخص سرمایه و درآمد خالص با توجه به نمودار (٤) در سال ۲۰۰۹ شاهد کاهش نسبت به سال قبل بوده‌اند ولی از سال ۲۰۰۹ به بعد دارای روند فزاینده‌ای شده‌اند.

Archive of SID

www.SID.ir

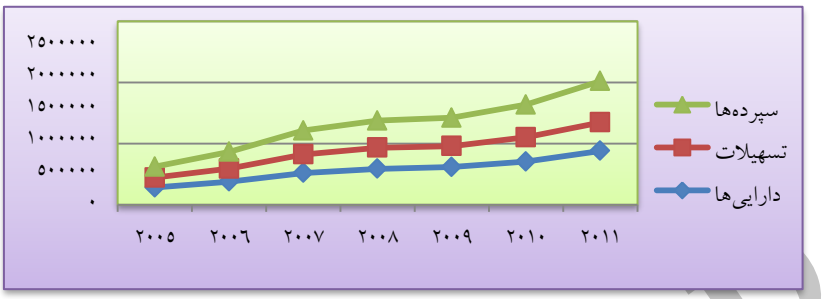

نمودار(۳): روند تغییرات سپرده، تسهیلات و دارایی بانک‌های اسلامی (ارقام میلیون دلار)

منبع: (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳)

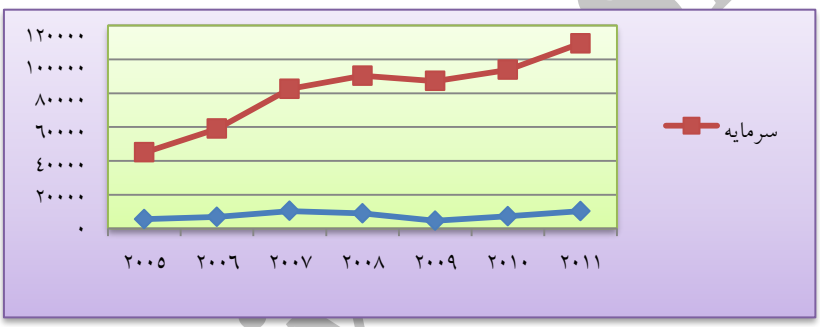

نمودار (٤): روند تغییر سرمایه و درآمد خالص در بانک‌های اسلامی (ارقام میلیون دلار)

منبع: (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳)

با توجه به جدول (٤) در سال ۲۰۱۱ دارایی بانک‌های اسلامی دارای ۲۵ درصد، سرمایه ۱٤.۷ درصد، درآمد خالص ٤۱.۲ درصد، سپرده‌ها ۲٦.۷ درصد و تسهیلات ۱٦.۹ درصد رشد داشته است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود رشد شاخص‌های بانک‌های اسلامی قابل‌توجه بوده و نشان از تمایل به این نوع از بانکداری می‌باشد.

در گزارش تهیه شده توسط یکی از مدیران بانک جهانی نیز افزایش دارایی بانک‌های اسلامی و سایر دارایی‌های مالی اسلامی تأیید شده است، طبق این گزارش، دارایی‌های مالی اسلامی (شامل صکوک: اوراق بهادار اسلامی و سایر دارایی‌ها) در سه

Archive of SID

www.SID.ir

دهه گذشته به‌صورت قابل‌توجهی رشد داشته طوری که از ۵ میلیارد دلار در دهه ۱۹۸۰ به ۱۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسید (Mahmoud, 2012, p. 2).

همچنین در نمودار ذیل رشد دارایی بانکداری اسلامی طی سال‌های ۲۰۰٦ الی ۲۰۱٤ مورد بررسی قرارگرفته که با توجه به آن، علی‌رغم کاهش رشد طی سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ مجدداً روند رشد افزایشی خود را تا سال ۲۰۱٤ به دست آورده است (Kammer, 2015).

با توجه به نمودار مذکور مشاهده می‌شود که کل دارایی بانکداری اسلامی در سال ۲۰۱٤ حدود ۲۰۰۰ میلیارد دلار شده است.

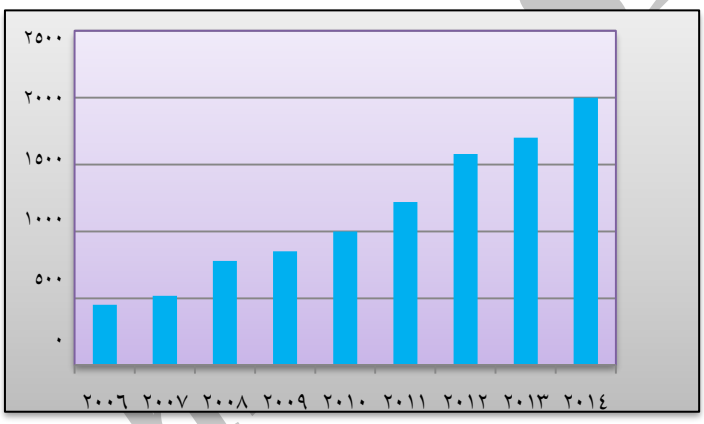

نمودار (۵): رشد دارایی بانکداری اسلامی طی سال‌های ۲۰۰٦ الی ۲۰۱٤

منبع: (Kammer, 2015).

٤-۳. بررسی نسبت‌های مالی در بانک‌های اسلامی

تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی، اهدافی از قبیل تشخیص منابع، کیفیت و ثبات درآمدهای بانکی، مکفی بودن نقدینگی و کفایت سرمایه را دنبال می‌کند. این بررسی‌ها ضمن ارزیابی کار مدیریت، عملکرد و توانایی رقابت بانک‌ها را نشان می‌دهد. در ادامه نسبت‌های مهم مالی در بانک‌های اسلامی ارزیابی و مقایسه می‌شوند (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳، ص۱۵۹).

Archive of SID

www.SID.ir

٤-۳-۱. وضعیت نقدینگی در بانک‌های اسلامی

این معیار نشان‌دهنده میزان نقدینگی در بانک است. سپرده‌های دیداری و سپرده‌های پس‌انداز می‌توانند به‌سرعت از بانک خارج شوند، بنابراین برای جلوگیری از مشکل نقدینگی در بانک‌ها می‌بایست همیشه نقدینگی مناسبی در بانک ذخیره گردد.

نسبت تسهیلات به دارایی‌ها: این نسبت نشان می‌دهد که چه درصدی از مجموع دارایی‌ها، به‌صورت تسهیلات در اختیار متقاضیان قرارگرفته است. هرقدر این نسبت بیشتر باشد، نقدینگی بانک کمتر خواهد بود. به‌عبارت دیگر، این نسبت نشان‌دهنده این است، که چه مقدار از دارایی‌ها توسط مدیریت در امور مولد به کار گرفته شده و ریسک‌پذیری بانک را در راستای درآمدزایی نشان می‌دهد.

نسبت تسهیلات به سپرده‌ها و وجوه کوتاه‌مدت: این نسبت به‌عنوان تمام دارایی‌هایی که دارای ریسک معمولی هستند (تنزیل‌ها، تسهیلات و پیش‌پرداخت‌ها) به سپرده‌های اصلی تعریف می‌شوند. این نسبت نشان‌دهنده میزان توانایی بانک در تجهیز سپرده‌ها برای حمایت از عملیات وام‌دهی است. نسبت بالا به معنای نقدینگی کمتر یا روند نامطلوب اقتصادی و یا برداشت سپرده‌هاست. پایین بودن نسبت، بیانگر نبود موقعیت‌های کافی برای وام‌دهی یا عدم تمایل به اعطای وام به دلیل وجود ریسک‌های موجود در وام‌دهی است.

نسبت دارایی‌های نقد شونده به سپرده‌ها و وجوه کوتاه‌مدت: این نسبت می‌تواند معیاری ابتدایی برای بررسی نقدینگی بانک باشد. هر چه این نسبت بالاتر باشد، قدرت نقدینگی بانک بیشتر خواهد بود.

جدول (٤): وضعیت نقدینگی در بانک‌های اسلامی

نسبت‌ها/ سال	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
خالص تسهیلات به دارایی‌ها	۵۹/۰۳	۵۵/٤	۵٦/۲٤	۵۷/٦۱
خالص تسهیلات به سپرده‌ها	۷۵/۹۱	۷۳/۳۳	۷۲/٦۸	۷۵/۰٤
دارایی‌های نقد شونده به سپرده‌ها	۲۵/۳۸	۲۷/۹۷	۲٦/۳۹	۲۵/۲۸

منبع: www.bankscope.com (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳)

Archive of SID

www.SID.ir

شاخص‌های نقدینگی درمجموع، تغییرات قابل‌توجهی نداشته و مسیر هموواری را طی کرده‌اند. نسبت تسهیلات به دارایی‌ها در دامنه ۵۵ تا ٦۰ درصد در نوسان بوده است. نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در سال ۲۰۰۸ در بالاترین سطح خود یعنی ۷٦ درصد بوده که نشان‌دهنده قدرت نقد شوندگی کمتر بانک‌های اسلامی در آن سال می‌باشد. این نسبت در سال ۲۰۱۱ به ۷۵ درصد رسیده است.

بهترین وضعیت بانک‌ها مربوط به سال ۲۰۱۰ است که سهم تسهیلات در مقایسه با سپرده‌ها کمتر بوده است. نسبت دارایی شاخص‌های نقدینگی در مجموع، تغییرات قابل‌توجهی نداشته و مسیر هموواری را طی کرده‌اند.

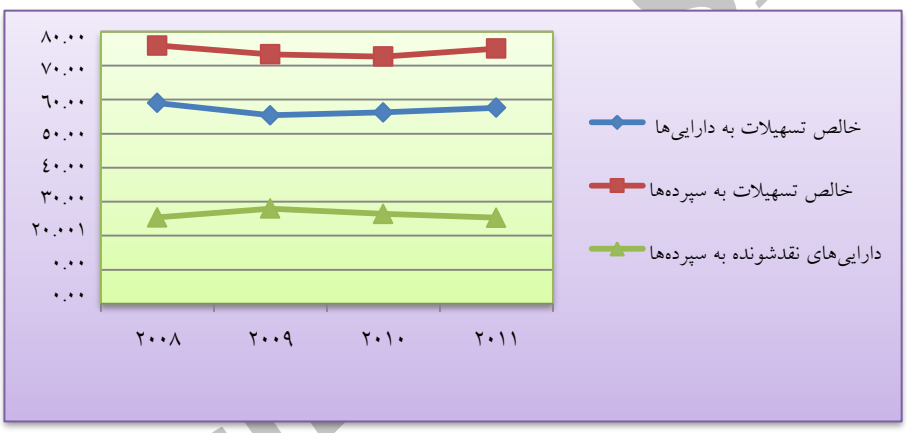

نمودار(٦): روند وضعیت تقدینگی در بانک‌های اسلامی

منبع: (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳)

نسبت تسهیلات به دارایی‌ها در دامنه ۵۵ تا ٦۰ درصد در نوسان بوده است. نسبت تسهیلات به سپرده‌ها در سال ۲۰۰۸ در بالاترین سطح خود یعنی ۷٦ درصد بوده که نشان‌دهنده قدرت نقد شوندگی کمتر بانک‌های اسلامی در آن سال می‌باشد. این نسبت در سال ۲۰۱۱ به ۷۵ درصد رسیده است. بهترین وضعیت بانک‌ها مربوط به سال ۲۰۱۰ است که سهم تسهیلات در مقایسه با سپرده‌ها کمتر بوده است. نسبت دارایی‌های نقد شونده به سپرده‌ها نیز طی دوره موردنظر ۲۷ درصد است که به‌طور نسبی نشان می‌دهد بانک‌های اسلامی در برابر برداشت سپرده‌ها آسیب‌پذیری کمتری دارند.

Archive of SID

www.SID.ir

٤-۳-۲. وضعیت سرمایه در بانک‌های اسلامی

نسبت حقوق صاحبان سهام به‌کل دارایی‌ها: این نسبت بیانگر میزان حمایت از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان، در مقابل ضررهای غیرقابل‌پیش‌بینی است که بانک ممکن است با آنها مواجه گردد. درواقع این نسبت، مقاومت بانک در برابر مشکلات اقتصادی را نشان می‌دهد و یکی از مهمترین شاخص‌هایی است که توسط قانون‌گذاران بانکی و تحلیل‌گران اعتباری مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، این نسبت نشان‌دهنده قدرت حمایتی بانک از سوی صاحبان سهام است و هرقدر این نسبت بیشتر باشد، قدرت ثبات بیشتر است.

نسبت وجوه سرمایه‌ای به‌کل دارایی‌ها: در این نسبت، علاوه‌بر حقوق صاحبان سهام، سایر منابع سرمایه‌ای (سرمایه ترکیبی و بدهی فرعی) نیز به‌عنوان حمایت فراهم شده برای بانک در نظر گرفته می‌شود.

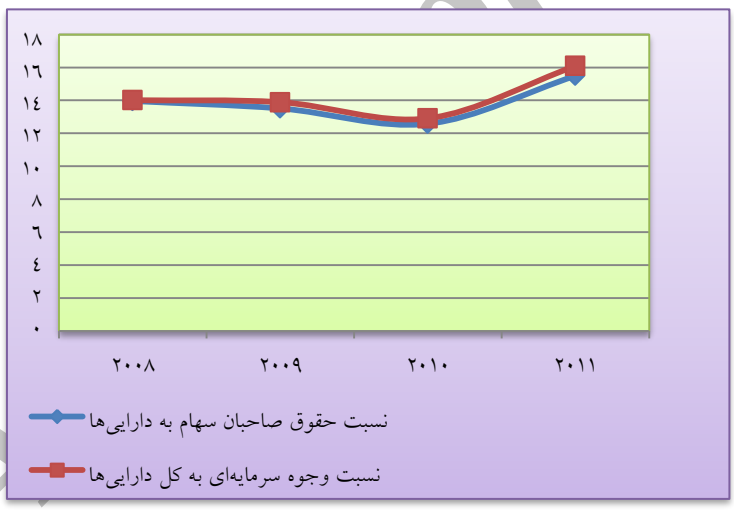

نمودار(۷): وضعیت سرمایه در بانک‌های اسلامی

منبع: (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۳)

نسبت سرمایه برای بانک‌های اسلامی از ١٤ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۱۵/۵ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است و متوسط این نسبت در سال‌های موردنظر برابر ١٤ درصد و نسبت وجوه سرمایه‌ای به‌کل دارایی‌ها نیز در سال ۲۰۱۱ برابر ١٦ درصد می‌باشد که

www.SID.ir

نشان می‌دهد بانک‌های اسلامی در وضعیت مناسب سرمایه و در محدوده استاندارد جهانی قرار دارند.

٤-۳-۳. وضعیت سودآوری در بانک‌های اسلامی

نسبت حاشیه سود: به‌منظور بررسی سودآوری بانک‌ها نسبت به خالص بهره‌ای محاسبه می‌شود. این نسبت از تقسیم بهره دریافتی به‌کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

نسبت بازده حقوق صاحبان سهام: این شاخص از تقسیم سود پس از کسر مالیات به متوسط کل سرمایه (حقوق صاحبان سهام) محاسبه می‌شود. این شاخص درامد خالص به ازای هر واحد سرمایه سهمی بوده و درواقع نرخ بازده سرمایه‌گذاری و توانای بالقوه را برای سرمایه داخلی ارزیابی می‌کند. چنانچه این روند افزایشی باشد، بیانگر کارایی بیشتر عملیات بانکی است.

نسبت بازده دارایی‌ها: شاخص بازده دارایی‌ها از معیارهای مهم سودآوری است و از تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌ها به دست می‌آید. این شاخص نشان‌دهنده سود به‌دست‌آمده از ارزش هر واحد دارایی است. درواقع این شاخص می‌تواند توانایی مدیریت را در استفاده بهینه از منابع واقعی سرمایه و مالی بانک در خلق پول نشان دهد. پایین‌تر بودن این نسبت نشان‌دهنده آن است که بانک نتوانسته از دارایی‌های خود به‌خوبی استفاده کند.

نسبت هزینه به درآمد: این شاخص یکی از معیارهای مهم در تشخیص کارایی یک بانک است. و نشان می‌دهد که هزینه‌های اداری (کارکنان، ملزومات، اجاره محل، بیمه اموال) چند درصد از درآمدهای عملیاتی بانک را تشکیل می‌دهد.

جدول (۵): بررسی وضعیت سودآوری بانک‌های اسلامی (درصد)

نسبت‌ها/ سال	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
حاشیه سود	۳/۱۵	۳/۵۰	۳/۰۷	۳/٦٤
بازده متوسط سرمایه	۱۱/۸۲	۵/۵٦	۸/۵۳	۹/۰۵
بازده متوسط دارایی	۱/٦۵	۰/۷۸	۱/۱۱	۱/۵
هزینه به درآمد	٤۷/۸٦	۵٦/٦	۵٦/۲۹	٤۳/٦۵

منبع: یافته‌های تحقیق

Archive of SID

www.SID.ir

نسبت بازده دارایی بانک‌ها که بیان‌کننده استفاده مطلوب از دارایی است، در کل بانک‌های اسلامی طی دوره موردنظر برابر با ۱/۵ درصد و بالاتر از متوسط استاندارد جهانی (یک درصد) می‌باشد. نسبت بازده سرمایه از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ روندی کاهشی داشته و حدود ده درصد بوده است.

نسبت هزینه به درآمد نیز به‌عنوان یکی از شاخص‌های کارایی، در کل بانک‌های اسلامی در سال ۲۰۱۱ برابر ٤٤ درصد بوده که نشان می‌دهد بانک‌ها ازنظر کارایی مناسب و پایین‌تر از استاندارد جهانی (۵۰٪) قرار دارند.

نسبت حاشیه سود از سال ۲۰۰۸ به بعد روندی افزایشی داشته و از ۳/۲ درصد به ٤ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است که نشان‌دهنده بالا بودن کارایی بانک‌ها در استفاده از دارایی‌های درآمدزا می‌باشد.

همچنین قابل‌ذکر است در مطالعه‌ای که توسط انجمن خدمات تأمین مالی اسلامی در سال۲۰۱۵ برای ۷۰ درصد از نظام بانکداری اسلامی در جهان انجام‌گرفته، بازده دارایی و بازده سرمایه از سال ۲۰۱۱ به بعد کمی روند صعودی داشته است. البته پس از صعود در سال ۲۰۱۲ مجدداً کمی کاهش‌یافته است (IFSB, 2015, p. 29).

در انتها و با توجه به مقالات متعدد باید متذکر شد که بانکداری اسلامی طی دوران بحران مالی ۲۰۰۸، (علی‌رغم کاهش نرخ در برخی متغیّرها) شاهد روند مثبت بوده است.

در نمودار ذیل که توسط صندوق بین‌المللی پول انجام گرفته بانکداری اسلامی طی سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۰۹ در سوددهی شاهد کاهش رشد، و در بخش اعتبارات و دارایی‌ها شاهد افزایش رشد نسبت به بانکداری متعارف بوده است.

Archive of SID

www.SID.ir

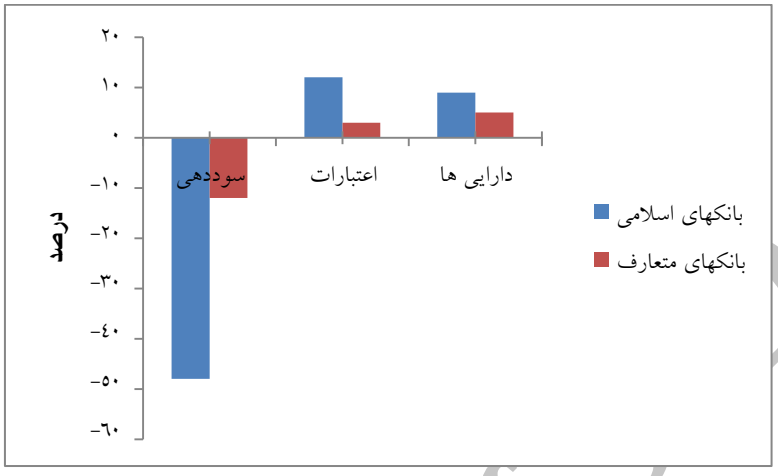

نمودار (۸): سوددهی بانکداری اسلامی طی سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۰۹

منبع: (Hasan & Dridi, 2012)

۵. اجرای صحیح و کامل بانکداری و نظام تأمین مالی اسلامی، عامل مصونیت آن در برابر بحران مالی

همان‌طور که در قسمت‌های قبلی (خصوصاً بخش دوم) بیان شد نظام بانکداری متعارف، علی‌رغم توسعه و پیشرفت‌های متعدد، طی سال‌ها و دوره‌های مختلف شاهد بحران و تلاطم بوده است؛ به‌عبارت دیگر پیشرفت‌های متعدد نتوانسته از بروز بحران جلوگیری کند، لذا می‌توان نتیجه گرفت که نظام تأمین مالی و بانکداری متعارف دارای مشکل یا ضعف‌هایی است که در طی زمان حل نشده و برخی از همان علل در مواقع مختلف، آشکار شده و بحران به وجود می‌آورد.

در مقابل، بانکداری و نظام تأمین مالی اسلامی در چارچوب و قواعد خود به‌گونه‌ای تدوین شده که در صورت اجرای صحیح و کامل، شاهد مشکلات فوق و در نتیجه بحران‌های مالی مشابه نخواهد شد. برخی از مهمترین ویژگی‌های آن عبارت‌انداز:

- ارتباط تنگاتنگ با بخش واقعی اقتصاد: در نظام تأمین مالی اسلامی، نهادها و مؤسسات مالی براساس بخش واقعی حرکت می‌کنند؛ یعنی بخش واقعی پیشرو و بخش مالی دنباله‌روست.

Archive of SID

www.SID.ir

به‌طورکلی می‌توان گفت که بانکداری اسلامی در دو حالت اعطای تسهیلات و نیز سرمایه‌گذاری‌ها به بخش واقعی اقتصاد مرتبط شده است، به این معنا که برای تأمین مالی خانوارها و نیازهای کوتاه‌مدت و مقطعی و موردی بنگاه‌های اقتصادی، از قراردادهایی چون فروش اقساطی (مرابحه)، اجاره به‌شرط تملیک و جعاله استفاده می‌کند. در این قراردادها ابتدا در اقتصاد واقعی کالا یا خدمتی تولید می‌شود، سپس بانک با تهیه نقدی آن کالا یا خدمت، آن را به‌صورت مدت‌دار به مشتری واگذار می‌کند. در نتیجه چنین قراردادهای اعتباری به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند از اقتصاد واقعی پیشی بگیرند؛ بلکه همیشه در چارچوب اقتصاد واقعی خواهند ماند.

در بخش سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلندمدت نیز بانکداری اسلامی بجای قرض یا بهره از قراردادهای مشارکتی استفاده می‌کند و با کارآفرینان اقتصادی در طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی مشارکت می‌کند. روشن است که در این بخش نیز معاملات اعتباری بانک‌ها در چارچوب اقتصاد واقعی خواهد بود و پدیده رشد حباب‌وار اعتبارت شکل نمی‌گیرد (موسویان، ۱۳۸۸، ص۲۹۹).

- نظام بانکداری اسلامی، توانایی جذب شوک‌های واقعی اقتصاد را از راه پدیدآوردن تغییر مناسب در هزینه سرمایه فراهم می‌کند. با تغییر سودآوری در نظام بانکداری اسلامی، هزینه تأمین سرمایه نیز مطابق با سود تغییر می‌کند، اما در نظام بانکداری سرمایه‌داری ممکن است نرخ بهره متناسب با تغییر سودآوری تغییر نکند و همین امر منجر به واکنش‌های شدید در تقاضای تأمین مالی شود و درنتیجه منجر به بحران‌های مالی شود.
- توزیع ریسک و تأثیرپذیری حداقل از شوک‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی: همان‌طور که ذکر شد در بانکداری اسلامی، ارتباط نزدیک و واقعی بین بخش واقعی و مالی اتفاق می‌افتد، به‌طوری که با ارتباط سود و بازدهی واقعی، در صورت بروز شوک و بحران اقتصادی که منجر به کاهش بازدهی فعالیت‌های اقتصادی شود، هر دو طرف (سپرده‌گذار و دریافت‌کننده تسهیلات) در کاهش بازدهی

Archive of SID

www.SID.ir

سهیم هستند و درنتیجه ضرر و زیان متوجه یکی از طرفین نخواهد شد، زیرا درصورتی که فقط یکی از طرفین ملزم به تحمل زیان شود در این صورت و با توجه به اینکه سود، واقع نشده، آن طرف باید از سایر منابع خود اقدام به پرداخت بهره طرف اول (سپرده‌پذیر) شود و در این حالت افرادی که ملزم به تحمل زیان شده‌اند فشار فراوانی خواهند دید و تأثیر آن در جامعه بیشتر قابل‌مشاهده خواهد بود و درنتیجه بی‌ثباتیِ بیشتری در جامعه به وجود خواهد آمد.

- تأمین مالی از راه استقراض، بازار بدهی گسترده‌ای ایجاد می‌کند. خرید و فروش وام با نرخ‌های بهره به‌صورت مکرر منجر به توسعه بازار بدهی می‌شود و ریسک نکول (عدم بازپرداخت وام) را افزایش می‌دهد و منجر به بحران مالی می‌شود. بحران مالی اخیر آمریکا و اروپا نمونه بارز این واقعیت است. این در حالی است که نظام بانکداری اسلامی به جهت اصل مشارکت در سود و زیان دچار گسترش بازار بدهی نمی‌شود.
- شیوه وثیقه‌گیری برای اجرای مدل تأمین مالی انتشار و توزیع اوراق بهادار نقشی مهمی در بحران مالی و وام‌های رهنی ایفا کرد. ناشران اوراق رهنی برای پوشش وثیقه بدهی‌ها، بدهی‌های اولیه و ثانویه را باهم ادغام کردند و با فروش اوراق وثیقه بدهی، تمام ریسک ناشی از نکول را به خریدار نهایی منتقل می کردند. درنتیجه، آنها خود انگیزه کمتری برای ایجاد تعهدات احتیاطی داشتند. بدین ترتیب حجم و کمیت وام‌ها، اولویت بیشتری نسبت به کیفیت وام‌ها پیدا کرد و میزان وام به مشتریان کم اعتبار و سفته‌بازان به‌سرعت زیاد شد. وام دهندگان از بازپرداخت این وام‌های افراطی و غیرمدبرانه مطمئن نیستند آنها به دنبال پوشش خود در برابر ریسک بازپرداخت می‌باشند، در نتیجه برای پوشش خود به سراغ ابزارهای مشتقه نظیر معاملات جبرانی نکول اعتبارات می‌روند. خریدار سوآپ (وام‌دهنده) به‌منظور جبران خسارت در صورت نکول وام‌گیرنده، مبلغی را به فروشنده (یک صندوق خیلی بزرگ) می‌پردازد. اگر این محافظت محدود به بستانکار اصلی(وام‌دهنده اصلی)

Archive of SID

www.SID.ir

می‌شد، ممکن بود مشکلی به وجود نیاید چون همانند مکانیسم بیمه عمل می‌نمود. مشکلات زمانی بروز می‌کنند که صندوق‌های پوشش ریسک[۲۹] این سوآپ‌ها را نه‌تنها به بانک‌های اصلی وام‌دهنده بلکه به تعداد زیادی از افراد دیگری که آماده پذیرش ریسک عدم‌پرداخت بستانکار بودند، فروختند. دارندگان برگه‌های قرارداد سوآپ به‌نوبه خود این برگه‌ها را به دیگران فروختند. تمامی این فرآیند چندین بار تکرار شد. درحالی که در صورت ادعای دارندگان متعدد این سوآپ‌ها، براساس قرارداد اصلی، تنها بیمه شده واقعی می‌تواند ادعای خسارت کند. این موضوع به افزایش دامنه ریسک منجر می‌شود و کار را برای صندوق‌های تأمین‌کننده و بانک‌ها برای عمل به تعهداتشان دشوار می‌سازد. اما بانکداری اسلامی به خاطر قواعد و اصول اسلامی از سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بدون پشتوانه خودداری کرده و درنتیجه مجبور به استفاده از روش‌های فوق جهت پوشش ریسک نبوده و نخواهد بود.

- شفافیت بیشتر در فعالیت‌های مالی (در تجهیز و تخصیص منابع) و نیز کنترل و نظارت بیشتر در مصرف وجوه سپرده‌گذاران: همان‌طور که ذکر شد یکی از علل اصلی وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸، عدم نظارت کافی بر قراردادهای مالی و نیز اعطای تسهیلات توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی بود. بانک‌ها بدون دقت و بررسی دریافت‌کنندگان تسهیلات و نیز چگونگی مصرف آنها به تشدید بحران مالی کمک کردند. اما در بانکداری اسلامی از آنجائی که سود، متناسب با بازدهی فعالیت اقتصادی خواهد بود، لذا دقت در دریافت‌کنندگان تسهیلات ازیک‌طرف و نوع فعالیت اقتصادی از طرف دیگر از الزامات اعطای تسهیلات خواهد بود.

یک بانکدار اسلامی برای احراز درستی قراردادها، افزون بر احراز هویت مشتری و توانایی او در ایفای قرارداد، می‌بایست موضوع قرارداد را نیز احراز کند، کما اینکه به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران بایستی نسبت به توجیه فنی و اقتصادی پروژه‌هایی را که تأمین مالی می‌کند، اطمینان حاصل کند و لازمه

Archive of SID

www.SID.ir

چنین مسائلی نظارت مؤثر بانک‌ها بر فعالیت‌های طرف قرارداد است. این نظارت و کنترل گرچه هزینه‌های غیرقابل‌انکاری را بر بانک تحمیل می‌کند، لیکن در مقابل، از گرفتار شدن بانک در طرح‌ها و پروژه‌های احساسی و غیر کارشناسی جلوگیری می‌کند و به‌تبع آن کمک مهمی به‌کل اقتصاد می‌کند (موسویان، ۱۳۸۸، ص۳۰۰).

- همان‌طور که ذکر شد در بانکداری و نظام مالی اسلام، هم سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر به‌طور متناسب در سود و زیان شریک هستند، لذا اصل «بدون ریسک، سودی به دست نمی‌آید» برقرار است. این اصل به ترغیب نهادها و مؤسسات مالی به برآورد دقیق‌تر ریسک کمک می‌کند تا نحوه به‌کارگیری سرمایه توسط وام‌گیرندگان را به شکل مؤثرتری تحت نظر بگیرند. برآورد مضاعف ریسک توسط سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر به تزریق احتیاط بیشتر به سیستم اقتصادی کمک می‌کند، و تأثیر زیادی در کم کردن میزان وام‌های افراطی و کاهش حجم اعتبارات معوق و نکول شده خواهد داشت.

درنهایت و با توجه به مطالب فوق می‌توان نقش، جایگاه و مصونیت بانکداری اسلامی در برابر بحران مالیِ اخیر را موارد ذیل خلاصه نمود:

جدول (٦): مصونیت بانکداری اسلامی در برابر بحران مالی

نقش بانکداری متعارف در ایجاد و تسهیل بحران مالی	نقش و ویژگی بانکداری اسلامی در مقابله با بحران مالی
جدایی از بخش واقعی اقتصاد	ارتباط تنگاتنگ با بخش واقعی اقتصاد
تسهیل‌کننده در رشد بخش مالی بدون توجه به بخش واقعی	تسهیل‌کننده در رشد متوازن بخش مالی و بخش واقعی
عدم شفافیت کامل (مالی) در هر دو بخش تجهیز و تخصیص منابع	وجود شفافیت (مالی) بیشتر در هر دو بخش تجهیز و تخصیص منابع
عدم کنترل و نظارت کامل در مصرف وجوه و سرمایه‌گذاری‌ها	وجود نظارت و کنترل دقیق‌تر (به خاطر شرایط «مشارکت در سود و زیان PLS)
عدم توزیع ریسک (بین طرفین) و تأثیرپذیری از شوک‌ها	توزیع ریسک و تأثیرپذیریِ حداقل از شوک‌ها

Archive of SID

www.SID.ir

اعطای وام‌های رهنی و پرریسک (از نتایج عدم توزیع ریسک)	احتیاط در اعطای وام‌های پرریسک و لزوم رعایت استانداردهای وام‌دهی
سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بدون پشتوانهٔ واقعی و پرریسک	ممنوعیت سرمایه‌گذاری در دارایی بدون پشتوانه
عدم توجه به برآورد دقیق ریسک فعالیت‌ها	لزوم توجه به برآورد دقیق ریسک فعالیت‌ها (زیرا در سود و زیان شریک است)
افزایش نسبت اهرمی (و امکان توسعه و استمرار آن)	عدم امکان افزایش نسبت اهرمی (افزایش بدهی و اعطای وام، متناسب با دارایی‌ها و سپرده‌ها خواهد بود)

منبع:یافته‌های محققان

در جدول فوق عوامل و نقش بانکداری اسلامی که باعث جلوگیری از بروز و توسعه بحران مالی می‌شود بیان شده است؛ به عبارت دیگر هریک از ویژگی‌های بانکداری اسلامی (که در جدول ذکر شده است) پاسخی است در برابر ویژگی‌ها و ضعف‌های بانکداری متعارف، که مانع از بروز و توسعه بحران مالی خواهد شد.

التبه همانطور که ذکر شد بانکداری اسلامی (طی بحران مالی ۲۰۰۸) در برخی متغیّرها دارای عملکرد مناسبی نبوده و در دوران بحران شاهد رشد کمتری در مقایسه با بانکداری متعارف بوده، ولی باید دقت نمود که این نوع بانکداری هنوز بطور صحیح و کامل اجرا نشده و این تحقیق در پی اثبات آن بوده که بانکداری اسلامی به علت دارا بودن شرایط و ویژگی‌های ذاتی (با توجه به جدول فوق) قابلیت مقابله با بحران‌های مالی مشابه سال ۲۰۰۸ را دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات: بانکداری اسلامی نوش دارویی برای بحران مالی

بحران مالی سال ۲۰۰۸ نشان داد که نظام مالی متعارف دارای برخی نقاط بسیار آسیب‌پذیر و شکننده بوده که همان نقاط باعث بروز بحران گسترده و سرایت به بخش واقعی اقتصاد شده است. یکی از نقاط آسیب‌پذیر، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بدون پشتوانه (با استفاده از ابزار نوین مالی که به همین منظور طراحی شده‌اند) و جهت‌گیریِ اکثر معاملات مالیِ مربوطه به سمت فعالیت‌ها و تأمین مالیِ بخش مالی (بدون توجه به بخش واقعی اقتصاد) بوده است.

Archive of SID

www.SID.ir

در بحران مالی اخیر بسیاری از کشورها با سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بدون پشتوانه واقعی (با تمرکز بر وام‌های رهنی پرریسک) دچار آسیب و ضرر شدند؛ کشورهای اسلامی و نظام بانکداری اسلامی نیز تا حدودی تحت تأثیر بحران مذکور قرار گرفتند ولی از آنجایی که حجم سرمایه‌گذاری آنها در دارایی‌های بدون پشتوانه بسیار اندک بوده و یا اصلاً ارتباطی با نظام مالی بین‌الملل نداشته‌اند، تأثیری از بحران نگرفتند (هر چند در برخی متغیّرها مانند سوددهی نسبت به بانکداری متعارف پایین‌تر بوده‌اند).

از طرف دیگر با توجه به آمار مربوطه، نظام بانکداری اسلامی طی سال‌های اخیر (پس از بحران ۲۰۰۸) شاهد ثبات و رشد قابل توجه بوده و این نشان از تمایل نظام مالی بین‌الملل به این نوع بانکداری است؛ لذا شایسته است متخصصان مربوطه به طور گسترده به تبیین و توجیه ابعاد نظام بانکداری اسلامی پرداخته و آن را بعنوان یک جایگزین مناسب معرفی نمایند.

با توجه به ضعف و نقص‌های بانکداری متعارف که موجب بروز و توسعه بحران مالی شده، نظام بانکداری اسلامی دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی است که درصورت اجرای صحیح و کامل، کشورها و نظام‌هایی که از آن استفاده نمایند را مصون از بحران مالیِ مشابه خواهد نمود؛ برخی از مهمترین ویژگی‌ها عبارتند از: ارتباط تنگاتنگ با بخش واقعی اقتصاد، تسهیل‌کننده در رشد متوازن بخش مالی و واقعی، وجود شفافیت و نظارت و کنترل دقیق‌تر (بخاطر شرایط «مشارکت در سود و زیان PLS») و بیشتر در هر دو بخش تجهیز و تخصیص منابع، توزیع ریسک و تأثیرپذیریِ حداقل از شوک‌ها، احتیاط در اعطای وام‌های پرریسک و لزوم رعایت استانداردهای وام‌دهی، ممنوعیت سرمایه‌گذاری در دارایی بدون پشتوانه.

بعبارت دیگر ویژگی‌های فوق برای نظام‌های مالی مبتنی‌بر اجرای صحیح بانکداری اسلامی بوده و این تحقیق بدنبال اثبات آن بوده که نظام بانکداری اسلامی در ذات خود دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی است که نظام مالی را مصون از بروز و توسعه بحران مالی خواهد نمود و درخصوص تعمیم آن بر بانکداری یک کشور خصوصاً نظام بانکداری و اقتصاد ایران، نیاز مجال و تحقیق دیگر است.

Archive of SID

www.SID.ir

همچنین برخی پیشنهادات جهت جلوگیری از بحران مالی مشابه ارائه می‌گردد:

۱- با توجه به مزایای تأمین مالی اسلامی و نیز بانکداری اسلامی، لازم است تا توجه جدی به ابعاد و نیز اجرای آن صورت گیرد. این نوع بانکداری، در صورت اجرای صحیح، شرایط را بگونه‌ای فراهم می‌آورد که منابع مالی، بطور دقیق و منظم به بخش واقعی اقتصاد و تولید هدایت شده و رشد متوازن برای هر دو بخش اقتصاد ایجاد خواهد نمود.

۲- باید در تعریف و توسعه ابزارهای نوین مالی، دقت فراوان نمود و از ابزارها و دارایی‌های بدون پشتوانهٔ واقعی اجتناب نمود. به عبارت دیگر در تعریف ابزارهای نوین مالی، بدنبال کمیت نبوده و کیفیت و تطابق با اصول اسلامی مدنظر باشد تا بخش مالی، هماهنگ و متناسب با بخش واقعی حرکت کند، زیرا در صورت عدم اتکای ابزارهای نوین مالی بر دارایی واقعی و سرمایه‌گذاری نهادهای مالی در آنها، بتدریج شاهد بحران مالی مشابه خواهیم بود.

۳- بانک‌ها و مؤسسات مالی به اهداف اصلی خود متمرکز شده و از سرمایه‌گذاری در ابزارها و دارایی‌های مالی (خصوصاً بدون پشتوانه واقعی) پرهیز نمایند. به عبارت دیگر بانک‌ها به وظیفه اصلی خود متمرکز شده و بطور واقعی، انتقال دهندهٔ منابع مالی به بخش واقعی اقتصاد باشند.

٤- ٤-کشورهای اسلامی در بخش نظارت و کنترل، می‌توانند اقدام به تأسیس «کمیته بال[۳۰] اسلامی» نموده و قوانین نظارت و کنترل برای فعالیت‌های بانکداری اسلامی تدوین نمایند. به عبارت دیگر کشورهای اسلامی جهت اجرای صحیح و کامل بانکداری اسلامی، قوانین و شرایط بهینه تعریف نموده و بانک‌های اسلامی را از گرفتار شدن در شرایط بحران مالی مصون نگه دارند.

یادداشت‌ها

1. GDP
2. Kuwait Finance House
3. Chapra

Archive of SID

www.SID.ir

4. Ahmed
5. Dewi & Ferdian
6. Abul Hassan
7. Hasan & Dridi
8. Nabi & Bourkhis
9. Nur Amran
9. Sub Prime
11. Sub Prime Mortgage
12. Securitization
13. Fannie Mae
14. Freddie Mac
15. Adjustable- Rate Mortgage
16. Glass- Steagall Act

براساس قانون گلاس– استیگال، فعالیت بانک‌های بازرگانی از بانک‌های سرمایه‌گذاری جدا می‌گردید و بانک‌های بازرگانی تنها به گردآوری سپرده‌ها و بانکهای سرمایه‌گذاری به اعطای اعتبارات و تسهیلات می‌پرداختند، بدین ترتیب ریسک اعتبارات به دارایی سپرده‌گذاران سرایت نمی‌کرد.

17. The Office of the Comptroller of the Currency
18. Interest & Currency Exchange Rates
19. Green Span
20. Financial Modernizationz
21. Fed Chairman Alan Greenspan, Prepared Testimony Before the House Committee on Banking and Financial Services, H.R. 10, the Financial Services Competitiveness Act of 1997, 105th Cong., 1st sess., May 22, 1997.
22. Profit and Loss Sharing
23 .Community Reinvestment Ac

در این قانون، مؤسسات و نهادهای اعتباردهنده (خصوصاً بانک‌ها و مؤسسات پس‌انداز) الزام شدند که به نیاز و تقاضای افرادی که به وام نیاز دارند پاسخ مثبت دهند؛ در اینجا محدودیتی در انتخاب افراد نبود بلکه به تمامی افراد– حتی افراد کم‌درآمد و متوسط– نیز می توانستند وام بگیرند؛ بعبارت دیگر بانک‌ها بدون رعایت استانداردهای وام‌دهی و بدون هیچ محدودیتی می‌توانستند وام دهند.

24. Too Big to Fail
25. Short Sells

Archive of SID

www.SID.ir

۲۶. پول مصنوعی در اینجا به معنی خلق پول و نقدینگی بدون پشتوانه اقعی است؛ همانطور که می‌دانیم روش‌های افزایش پول و نقدینگی متعدد هستند، ولی در اینجا منظور تعریف اوراق بهادار (اوراق رهنی) بر روی وام‌های مربوط به مسکن بوده که آنها با چرخش و مبادله در چندین مرحله، مجدداً به ایجاد پول بدون پشتوانه واقعی (و بعبارتی پول مصنوعی) تبدیل شده است.

27. Leverage Ratio
28. Diminishing Musharakah
29. Hedge Fund
30. Basel

کتابنامه

حشمتی مولایی، حسین (۱۳۸۸)، «فرصت‌ها و ریسک‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی در شرایط بحرانی»، تهران: *بیستمین همایش بانکداری اسلامی*، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.

خوانساری، رسول و همکاران (۱۳۹۳)، *وضعیت بانکداری در ایران و جهان، ۲۰۱۱ میلادی*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ژوزف استیگلیتز؛ مترجم: سید حسین علوی لنگرودی (۱۳۹۰)، «افشاگری تکاندهنده اقتصاددان ارشد صندوق بین‌المللی پول؛ پشت درهای بسته خزانه‌داری آمریکا و صندوق بین‌المللی پول»، *بانک و اقتصاد*، شماره ۱۱۵، صص ٥٤-٦٢.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۸)، «بانکداری اسلامی، ثبات بیشتر و کارآیی بهتر»، تهران: *بیستمین همایش بانکداری اسلامی*، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.

کریمی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، *مجموعه مقالات بحران مالی سال ۲۰۰۸؛ ریشه‌ها پیامدها و راهکارها*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

Bourkhis, K., & Nabi, M. S. (2011). Have Islamic Banks Been Nore Resistant than Conventional Banks to the 2007-2008 Financial Crisis. In *17th Annual Conference of the Economic Research Forum, Antalya, Turkey*.

Chapra, M. U. (2008). *The Global Financial Crisis: Can Islamic Finance Help Minimize The Severity And Frequency Of Such a Crisis In The Future?;* Paper Prepared at the Forum on the Global Financial Crisis, Islamic Development Bank.

Archive of SID

www.SID.ir

Dewi, M. K., & Ferdian, I. R. (2009). Islamic Finance: a Therapy for Healing the Global Financial Crisis. *Challenges of Globalising Financial System*.

Griffith-Jones, S., Ocampo, J. A., & Stiglitz, J. E. (2010). *Time for a Visible hand: Lessons from the 2008 World Financial Crisis*. Oxford University Press.

Hasan, M. M., & Dridi, J. (2010). The Effects of the Global Crisis on Islamic and Conventional Banks: A Comparative Study. *IMF Working Papers*, 1-46.

Hassan, A. (2009). The Global Financial Crisis and Islamic Banking. *UK: The Islamic Foundation, UK*.

Hussain, M., Shahmoradi, A., & Turk, R. (2016). An Overview of Islamic Finance. *Journal of International Commerce, Economics and Policy*, *7*(01), 1650003.

Kammer, M. A., Norat, M. M., Pinon, M. M., Prasad, A., Towe, M. C. M., & Zeidane, M. Z. (2015). *Islamic Finance: Opportunities, Challenges, and Policy Options* (No. 15). International Monetary Fund.

Nur Adzim A, M. (2012). *Prospects for Islamic Banking After the World Economic Crisis*; Faculty of Islamic Studies; The National University of Malaysia.

Mohieldin, M. (2012). *Realizing the Potential of Islamic Finance*, The World Bank; Economic Premise; Poverty Reduction and Economic Management Network.

World Economic Outlook Database (2009), www.imf.org

Archive of SID

www.SID.ir